



# نگاهی به وضعیت ارزاق در ایران

تاریخ ۱۳۳۲ هجری قمری  
ضمیمه صورت



وزارت مالیه

اداره

دائرة

شماره ۲۳۹۵

وزارت معارف

بها بسخ هر غده در ارزاق و کینه دین، و اجاسی که در این شش سال اخیریت ملایه  
و خدی بوج هر اختلاف و مورد بعضی شایسته مدح شده بوج خیرا کینه مددندت  
تکین و اجود انهای بصیرت در کرات مدد بهر آوا صورت مجلسی که سخن برای  
کیرن بوج تیره و تمام نیست در راه عظام تیم ش و پس قدو که در این طبع مذکر  
گیه در خانه صورت مجلس هم قطعی صادر گیه دین یک شوه در صورت مجلس مذکر  
برای اطلاع ادوی از نذارت معارف در مجلس گیه که در حلقه و معده نهاد در نذارت



نور در نذارت و در نذارت اعظم فایده از لطف و زور و

وسطه در نذارت

در نذارت معارف  
در نذارت معارف  
در نذارت معارف

در نذارت معارف

در نذارت معارف

در نذارت معارف

در نذارت معارف

# در سالهای جنگ جهانی اول

سهیلا ترابی



پژوهشگران تاریخ همواره بر آن بوده‌اند که با استفاده از اسناد و مدارکی که در دسترس شان بوده است راهی به گذشته بیابند و از اوضاع مردم آن روزگار آگاهی یابند. از آنجا که بیشتر نویسندگان و مورخان پیشین بر چگونگی گذران مردم توجهی نداشته‌اند و این امور نزد آنان اهمیت چندانی نداشته است، دستیابی به این اطلاعات همواره برای محقق با دشواری همراه بوده است. بخشی از مجموعه اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است اطلاعاتی در خصوص وضعیت ارزاق عمومی، گرانی، قحطی، و سیاستهای دولت در زمینه قیمتگذاری ارزاق عمومی و ممنوعیت یا آزادی خروج برخی کالاها به خارج از کشور در سالهای جنگ جهانی اول دست می‌دهد.

هرچند ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی نمود، لیکن دولتهای درگیر واقعی به آن نگذاردند. جنگ جهانی بر کلیه امور کشور، از جمله ارزاق عمومی و کالاهای اساسی تأثیرات کمی و کیفی گذارد. کمبود مواد غذایی، مسأله نان و صنفهای طولانی نانوائیها و قحطی و افزایش بی‌رویه قیمتها مردم را به سمت فقر، بیماری و سرانجام مرگ سوق داد. گزارش‌های رسیده از شهرهای مختلف کشور حاکی از کمبود و گرانی نان و آشفتگی مردم در سالهای جنگ است و تصویری دلخراش از اوضاع اجتماعی آن زمان ترسیم می‌کند. از قزوین خبر

می‌رسید که منظره دکانهای نانوائی بسیار رقت‌انگیز، نان غیر ماکول و ارزاق گران و کمیاب است. مردم به تحریک شخصی به نام حاجی سید حسین در مسجد شاه جمع شدند و در شهر شورش و بلوا ایجاد گردید.<sup>۱</sup> زنجان به واسطه کمبود نان، زنها تجمع کردند و دکانها و بازار از ترس بسته شد و ازدحام عمومی ایجاد گردید. کرمانشاه امنیت نداشت.

جان و مال اهالی مورد تهدید بود. چندین قتل بی‌جهت اتفاق افتاده بود. ولایت حاکم نداشت. دکاکین به دلیل کمبود ارزاق بسته شد و برای احادی آسایش نمانده بود.<sup>۲</sup> گروههای کشیری از گرسنگی جلای وطن کردند. در قم گندم قیمت معینی نداشت و از دیگر مناطق نیز وارد نمی‌شد. خبازها به هر قیمتی در شهر گندم پیدا می‌کردند، می‌خریدند.<sup>۳</sup> قیمت ارزاق و اجناس در آنزلی ساعت به ساعت در ترقی بود.<sup>۴</sup> گزارشی از مشهد حاکی است که به واسطه کمی و گرانی نان به حدی بر اهالی سخت گذشته بود که از مردم جز آه و ناله چیزی شنیده نمی‌شد و از تمام خراسان امنیت سلب شده بود. در اصفهان نیز قزاقان با خبازان درگیر شدند و به همین دلیل مغازه‌های نانوائی بسته شد و معدودی که بازمانده بود به حدی ازدحام در آنها زیاد بود که بیم ایجاد بلوایی می‌رفت.<sup>۵</sup> گزارشی از برپایی چادرهایی به منظور اعتراض در مقابل تلگرافخانه شهر در دست است که گروهی از بزرگان شهر طی مجلسی در عمارت چهل ستون برای بهبود وضع

نابسامان ارزاق گرد آمدند و تصمیم بر آن شد که قیمت معینی برای فروش گندم در نظر گرفته شود و تمام «علما و ملاکین و اعیان» قبول کردند تا بدین طریق اوضاع اندکی بهبود یابد.<sup>۶</sup>

در گزارشی از منجیل خبر عبور گروهی سواره نظام از همدان به روسیه داده شده است و افزایش روز به روز قیمت اجناس که موجب قحطی و گرسنگی اهالی شده بود.<sup>۷</sup> در گزارشی از شیراز در متن اعلان رئیس بلدیة خبری از تجمع اهالی در تلگرافخانه به دلیل گرانی ارزاق داده شده است که در متن گزارش این خبر تکذیب گردیده و قیمتهای مایحتاج عمومی در شیراز به جهت آگاهی خوانندگان ذکر می‌گردد که، با توجه به اوضاع دیگر شهرها، همچنین اوضاع عمومی کشور، مشکوک و غیر واقعی به نظر می‌رسد.<sup>۸</sup> در هر حال وجود همین گزارش نیز حاکی از وضعیت غیر عادی شهر دارد. در همین سالها بر اثر کمبود مواد غذایی و بیماریهای واگیردار هزاران تن جان باختند.<sup>۹</sup>

گرانی ارزاق در دیگر شهرها نیز اعتراض‌هایی رابه گونه‌های مختلف برانگیخت. در کردستان، گرانی قند و چای به حدی رسید که علما حکم به حرمت قند و چای دادند و طلاب مجری و مراقب اجرای حکم بودند. قهوه‌خانه‌ها بسته شد و هر عطاری قند و چای می‌فروخت اموالش ضبط می‌گردید.<sup>۱۰</sup> ارقام جدولهای منتشره و اعلان قیمت کالاهای اساسی که هر هفته اداره بلدیة

دولت علیه ایران



وزارت داخله

نومبر کتاب ثبت  
کارتن  
فکر نمبر های قبل  
نوبه تحریرات لائحه ضمیمه  
ارسال و رسالت

مهران  
اسم نویسنده

تاریخ ۹ کورس ۱۳۳۷  
شماره ۱۳۳۷

رقم فایده (۲۴۶۶۵) تفریح  
فدائک بدهیم  
قرار داد کسب آرزو بدهیم  
بنامه غرض درون  
حکام زایدک دودمان



در روزنامه های رسمی کشور منتشر می کرد حاکی از افزایش سرسام آور قیمتها بود. با بررسی این ارقام می توان دریافت که طی سالهای جنگ جهانی اول قیمت گندم در حدود ۷۱۴ درصد، جو ۳۳۹ درصد، لوبیا ۸۰۹ درصد، نخود ۴۱۵ درصد، برنج ۶۲۷ درصد، گاه ۹۷۶ درصد و قند که جزو کالاهای وارداتی محسوب می شد ۵۴ درصد افزایش یافته اند.<sup>۱۱</sup>

تلگرافهای خارجی نیز خبر از بحران آذوقه و کاهش محصول گندم در اروپا و آمریکا می دهد. استفاده از زارعان در جبهه های جنگ، به کارگیری وسایل نقلیه در تدارکات نظامی و از بین رفتن زمینهای کشاورزی موجب کاهش محصول و افزایش قیمت حمل و نقل گردید. عملیات زیردریاییهای جنگی در آبهای بین المللی عامل دیگری بود که رفت و آمد کشتیهای تجاری را با مشکل مواجه می ساخت.<sup>۱۲</sup>

بدیهی است که کمبود جهانی، نیاز کشورهای درگیر را به مواد غذایی کشورهای بی طرف افزون ساخته بود، و با توجه به قیمتهای گران ارزاق عمومی

در آن کشورها تمایل به صدور مواد غذایی را افزایش داده بود که به طور قطع سود فراوانی نصیب صادر کنندگان آن می کرد. از آنجا که هرنوع ناهماهنگی بین عرضه و تقاضا موجب تورم می گردد، هرگونه کاهش یا افزایش یکی از آنها قیمتها را دچار بحران می سازد. در تحلیل عوامل مؤثر در کمبود ارزاق و افزایش قیمت آنها موارد زیر را می توان برشمرد:

۱. حضور قشون بیگانه و استفاده از امکانات داخل کشور برای رفع نیاز آنها؛
۲. وضع بد کشاورزی و کاهش محصول به دلیل کمی آب، خشکسالی، بدی آب و هوا وجود آفت در این سالها.
۳. احتکار ( ایجاد کمبود مصنوعی)؛
۴. صادرات کالاهای اساسی و مواد غذایی به خارج کشور که منجر به کمبود داخلی گشت.
۵. بدی راهها و کمبود وسایل حمل و نقل و محدود بودن امکان انتقال مواد خوراکی؛
۶. خصومت ملاکین و صاحبان ثروت و عدم پرداخت مالیات جسی به دولت؛
۷. ضعف دولت مرکزی که امکان هرنوع

تغییر در قیمتها را توسط افراد سودجو فراهم می ساخت؛

۸. مسأله روحی کمبود ( که در اصطلاح اقتصادی « انتظار تورمی » گفته می شود)؛ در بخشهایی که نیروهای نظامی دولتهای بیگانه حضور داشتند به دلیل وخامت وضع راهها و کمبود وسایل حمل و نقل امکان انتقال آذوقه از ایالتی به ایالت دیگر بسیار دشوار بود. گزارشهایی از مزاحمت نظامیان روسیه در حمل مالها و اجناس روستائیان داده می شد.<sup>۱۳</sup> حتی نظامیان از حکام ایالات برای تأمین آذوقه سربازان خود کمک خواسته بودند. فرمانده نیروهای روسیه در ایران، ژنرال باراتف، از حاکم عراق تقاضای آذوقه کرد؛ هفتاد و پنج خروار جو را بر دوست قاطر و شتر بار کردند و برای وی فرستادند.<sup>۱۴</sup> علاوه بر این حضور قشون بیگانه به کشاورزی و اراضی حاصلخیز کشور آسیب زیادی رساند. همچنین مقدار معتناهی از مواد غذایی را که تا پیش از آن مردم مصرف می کردند مورد استفاده قوای نظامی خارجی قرار گرفت.<sup>۱۵</sup>

جنگ موجب ویرانی مناطق وسیعی از

کشور شد و حضور قشون بیگانه مشکلات فراوانی بر کشور تحمیل کرد. در این باره روزنامه ایران چنین نوشت:

مکاتیب و تلگرافات جگر خراشی که پیوسته از نقاط غارت زده از اشرار داخلی و دسته جات نظامی خارجی به ما می رسد فوق التصور رقت خیز است و بدون آنکه بخواهیم داخل جزئیات آن گردیم هیئت دولت خصوصاً وزارت جلیله داخله را دعوت می نمائیم که به یک جنبش و فعالیت فوق العاده تری مبادرت نماید... اشرار و کثرت دایم التزاید سارقین و سلب امنیت از دهات و طرق و شوارع دیگر اجازت نمی دهد که یکدقیقه در مقابل این حوادث لاقید بمانیم.<sup>۱۶</sup>

کمبود ارزاق عمومی، گرسنگی و رواج بیماریهای واگیردار موجب افزایش مرگ و میر و کاهش نفوس گردید و این امر خود موجب کمبود کارگر و افزایش دستمزد و بالنتیجه عاملی در افزایش قیمتها گردید. در این سالها روزنامهها مملو از اخبار هولناک بود. خبرهای متعددی از عدم امنیت، سرقت، جنایت، قحطی، بیماری، گرسنگی و آمارهای بسیاری از مرگ و میر افراد به وفور به چشم می خورد.<sup>۱۷</sup> در سرمقاله ای تحت عنوان «مملکت در خطر است» که در روزنامه ایران منتشر شد می خوانیم:

اصل موضوع یعنی هویت مملکت از نقطه نظر مادی و معنوی در خطر است... تهاجم امراض مختلفه بیرحمانه دست به کشتار اهالی گشوده، نتیجه قحط و غلاما و دارایی مردم را مورد چپاول و غارت قرار داده، تخطیات اجانب و تشمت عناصر مختلفه علت تمامیت و استقلال ایران را دچار مخاطره نموده است. کمیت افراد ملت) و کیفیت (استقلال آنها) هر دو در خطر است.<sup>۱۸</sup> کثرت امراض، شیوع وبا و گرانی و کمبود دارو همه اقشار اجتماع را تحت فشار قرار داده بود. گرانی به حدی بود که قشر متوسط جامعه نیز امکان خرید دارو نداشت و فقرابه سرعت جان خود را از دست می دادند.<sup>۱۹</sup> در ستون ویژه تلگرافهای داخله روزنامه ایران، خبر

از تلفات مرض در کردستان، تقاضای طبیب به دلیل رواج بیماریهای عمومی در سیستان، دستگیری اشرار و حمله به مال التجارهها دیده می شود و بخوبی وضعیت اسفبار این دوران را آشکار می سازد.<sup>۲۰</sup> این وضعیت موجب بروز اعتراضهایی از جانب مردم به منظور تأمین آذوقه، رفع گرسنگی و اعطای امنیت گردید.<sup>۲۱</sup>

از مسائل دیگری که بر مبادلات و ارزاق عمومی تأثیر مستقیم داشت ناامنی راهها و کمبود وسایل حمل و نقل بود. راههای نه چندان امن و نامنظم کشور بر اثر حضور قشون بیگانه وضعیتی اسفبارتر از پیش یافت. در گزارشهایی از شهرهای کشور خبرهای بسیاری از ناامنی، مسدود بودن راهها، سرقت مال التجارهها و ناتوانی دولت در اصلاح و برقراری امنیت معابر به چشم می خورد.<sup>۲۲</sup> اشغال برخی راهها توسط نیروهای بیگانه و تلاش دولتهای متخاصم برای ایجاد راههای شوسه و راه آهن به منظور تسهیل در امور تجاری مناطق زیر نفوذشان به تأسیس راه آهن جلفا - تبریز در سال ۱۳۳۴/۱۹۱۶ انجامید.<sup>۲۳</sup>

به هر حال، حضور بیگانگان و هرج و مرج سیاسی کشور بر ناامنی راهها افزود و سارقین را قادر ساخت بر راحتی دست به غارت و یغما بزنند. هر روز دسته و گروه جدیدی تشکیل می شد و در راهها به باج گیری از قوافل می پرداختند. اتحادیه تجاری اعلانی خواهان رسیدگی به امنیت راهها، کاهش هرج و مرج تشکیل نیروی نظامی دولتی برای سر و سامان دادن به این وضعیت شد:

در سنه ماضیه بواسطه سرقتهای پیاپی، تجار ۴ ماه تعطیل عمومی کرده و متحمل سه کروضرر و خسارت شدید و تقاضای تشکیل ژاندارمری نمودیم، ابدآ نتیجه نخشید. اکنون وضع راه بمراتب از سابق بدتر، قوافل که از دهکرد به اصفهان می آید در این راه جمعرفلی خان به شراکت دیگران شتری ۱۵ قران باج می گیرد. از اصفهان به طهران حرکت

می کند در اصفهان احمدخان مورچه خورتنی شتری ۵ قران، سوار بختیاری در مورچه خورت شتری ۳ قران، رضاخان جوزانی در جوشقان شتری یک تومان، مجموع شتری ۳۵ قران، کاش این پول را می گرفتند قوافل سلامت می رفت. هر مرتبه دو بیست بار، صد بار هم سرقت می شود.<sup>۲۴</sup>

علاوه بر باجهای غیرقانونی یاد شده، دولت نیز بر برخی راهها حق العبور تعیین کرده بود. به طور مثال، اداره مالیات به عنوان حق العبور راه شمیران از هر اتومبیل و درشکه به میزان مشخصی مالیات دریافت می کرد.<sup>۲۵</sup> به رغم فعالیتهای دولتهای بیگانه در ایجاد راههای شوسه و افتتاح راه آهن در مناطق مورد نیاز، به دلیل محدود بودن این امکانات، رفت و آمدهای کاروانهای تجاری و قوافل ارزاق همچنان با مشکل بسیار روبه رو بود. وسایل حمل و نقل جدید، مانند کامیون و اتومبیل نتوانست گسترش یابد و همچنان عمده حمل و نقل کشور به وسیله قاطر و شتر صورت می گرفت. از آنجا که دولتهای درگیر در جنگ برای جابه جایی محمولهها و مواد مورد نیاز سربازان خود شروع به خریدن، یا خارج کردن قاطرها و شترهای موجود از ایران کردند، کشور دچار بحران وسایل حمل و نقل گردید. البته کمبود علوفه و کاهش واردات شتر، که معمولاً از ایلات ترکستان خریداری می شد، همچنین کمبود قاطر که در بین عشایر غرب کشور پرورش داده می شد و به دلیل نیاز ارتش عثمانی تمامی آنها به کشور مزبور فرستاده می شد از دیگر عوامل این بحران بود. انگلیسیها نیز کلیه حیوانات بارکش را برای عملیات نظامی خود در بین النهرین خریداری کردند؛ این عوامل موجب کاهش شدید وسایل حمل و نقل گردیده بود.<sup>۲۶</sup> علاوه بر خریدن و به کارگیری کلیه امکانات حمل و نقل کشور توسط دولتهای درگیر، در صورت مشاهده مکاریها و صاحبان حیوانات باربر، آنان را وادار به حمل بارهای خود

می کردند.<sup>۲۷</sup> این عوامل جا به جایی مایحتاج عمومی مردم را دچار اشکال ساخت و موجب گشت که در هنگام کمبود ارزاق، ایالت‌های مجاور قادر به کمک رسانی به یکدیگر نباشند. کمبود وسایل حمل و نقل از عوامل افزایش قیمت‌ها، افزایشی فوق العاده کرایه حمل و نقل و محدودیت‌های تجاری بود به نوشته روزنامه ایران:

اثرات همین بحران و قلت وسایل حمل و نقل است که از مازندران به طهران در صورتی که بیش از پنج - شش منزل راه نیست. کرایه خرواری به هفتاد تومان بالغ گشته است و با تصدیق به گرانی نرخ کاه و جو باز هم هر قدر مخارج قاطر تخمین شود با کرایه آن متناسب نخواهد بود... باگر این نکته را تشخیص دهیم که هر یکممن قندی که امروز در طهران مصرف می شود و یکممن پنج تومان خریداری می نماییم، یکممن سه تومان نیم و چهار تومان از بندر اهواز یا بوشهر تنها کرایه برمی دارد نتیجه فقدان وسایط نقلیه را بهتر تمیز خواهیم داد.<sup>۲۸</sup>

در گزارش‌های مربوط به علل کمبود ارزاق به خشکسالی و فقدان آب در سال ۱۳۳۵ ۱۹۱۷ اشاره شده است. این خبر می افزاید در سال پیش از آن با وجود فراوانی بارانی و کثرت آب و برطرف شدن خطر هرگونه آفت زراعتی، بازهم کمبود همچنان وجود داشت.<sup>۲۹</sup> هرچند وضع بد کشاورزی و خشکسالی از عوامل مهم کاهش محسوب می گردید، با این حال در بیشتر منابع، کولرأ به احتکار و انباشت کالاهای مورد نیاز مردم به منظور افزایش قیمت و به دست آوردن سود بیشتر به عنوان عامل اساسی کمبودها اشاره شده است. برخی تجار و ملاکین یا متنفذین اجتماعی با دست زدن به احتکار، سرمایه‌های کلانی به دست آوردند.

یکی از این افراد شخصی به نام حاج یمن الملک بود که املاک خالصه را از دولت اجاره کرد. در سال تصدی وی میزان غله وارده به انبار دولتی از ۴۲

هزار خروار به ۲۷ هزار خروار رسید وبقیه آن به سرمایه شخصی وی مبدل گشت.<sup>۳۰</sup>

در مقاله‌ای تحت عنوان «بازهم آذوقه طهران و ولایات» با بررسی مقدار گندم و جو زمینهای اطراف تهران ثابت می شود که این مقدار محصول برای اصلاح نان تهران براحتمی کافی بوده است ولی آنچه وضع ارزاق و نان را بسیار بحرانی ساخته بود احتکار و انباشت آذوقه مورد نیاز مردم توسط محتکرین بوده است.<sup>۳۱</sup> همان طور که اشاره کردیم، وضع بد راهها و کمبود وسایل حمل و نقل از عوامل مؤثر در وضع نامساعد ارزاق بود. برخی از این کمبودها نیز به صورت مصنوعی ایجاد می گردید. ممانعت مالکین و صاحبان ثروت در پرداخت مالیاتهای جنسی و احتکار ارزاق از مسائلی است که جامعه در این دوران بیش از پیش با آن دست به گریبان بود. سنت مالیاتی براین قرار بود که بواسطه مأموران مالیه محلی بخشی از محصول را به عنوان مالیات جنسی از مالکان می گرفتند دولت با قیمتی کمتر از معمول می فروخت. و یا به خیازخانه‌ها می داد. این امر در شرایط کمبود سالهای جنگ می توانست در رفع گرسنگی و کاهش قیمتها مؤثر باشد ولی ملاکین در تبانی با مأموران مالیه یا به شیوه‌های دیگر از پرداخت این مالیات تن می زدند:

تلگراف متعدده همدان راجع به ترقی فوق العاده جنس که به نظر اغراق آمیز می آید... این مسأله به واسطه سوء اعمال مفتش اعزامی وزارت مالیه بوده و در موقع مأموریت مبلغ معتنا بهی مأخوذ نموده و فقره دیگر متعاقب اقدام مفتش مالیه عدم مساعدت مالکین و محتکرین و دلالت‌های خارجی می باشد. خصوصاً چند نفر از ملاکین معروف از قبیل امیر افخم و امیر نظام و سردار اکرم مالیات و بقایای جنسی خود را نپرداخته حتی سردار اکرم از قراراطلاعاتی که رسیده به مباشرین خود تعلیماتی داده که مأمورین دولت را نپذیرفته و از دادن جنس استنکاف

نمایند.<sup>۳۲</sup>

در میان اسناد گزارش‌های بسیاری از احتکار محصول و انبار کردن غلات توسط ملاکین دیده می شود. آنان حتی نیازهای خود را با وجود انبارهای غله احتکار شده از طریق بازار شهر تأمین می کردند.<sup>۳۳</sup> به دلیل سود بسیار سرشار خرید ارزاق عمومی نه تنها مالکان از فروش غله خود سرباز می زدند بلکه<sup>۳۴</sup> تجار نیز دست به خرید مایحتاج عمومی زدند و آنان را برای ایجاد کمبود مصنوعی انبار کردند.<sup>۳۵</sup> وضعیت اسفبار نان و ازدحام مردم بر در دکانهای نانویی تهران موجب گشت که بنا به درخواست شاه علت این کمبود بررسی گردد. مأموران بررسی، علت را این دانستند که صاحبان ثروت اجناس را پیش از ورود به شهر می خریدند و به جهت انبار کردن به لواسانات و ساوجبلاغ و قزوین می فرستادند.<sup>۳۶</sup> تأثیر ناگوار این اعمال بر زندگی مردم و سودهای سرشاری که از این طریق برای مالکان و تجار فراهم گردید کاملاً آشکار است.

مشکل دیگری که در بحرانهای اقتصادی و تورمهای شدید بروز می کند وضعیتی است که در اصطلاح اقتصادی به آن «انتظار تورمی» می گویند و در شرایط کمبود و بی ثباتی سیاسی، خود از عوامل تشدید بحران می شود. نگرانی و هراس مردم از گرسنگی و کمبود بیشتر در آینده، تمایل به خریدن و انبار کردن کالا بیش از نیاز و مصرف طبیعی را در آنان افزایش می دهد و این امر موجب افزایش تقاضا، و در نتیجه افزایش قیمت و ایجاد تورم می گردد. این وضعیت در آن دوران بدین شکل منعکس گردیده است:

.... و از طرف دیگر تمایلی که در مردم و بین سرمایه داران حتی کسانی که بیش از دویست سیصد تومان نداشتند برای خریدن و انبار کردن کلیه اشیایی که ارزاق عمومی محسوب است دیده می شد همه کس بطور وضوح پیش بینی مزبور را می نمود.<sup>۳۷</sup> اقتدار دولت مرکزی و اطمینان از بهبود

اوضاع، خود می توانست عامل کاهش قیمتها گردد. درنامه ای از جانب دوتن از علمای اصفهانی به وزارت داخله بنحوی تاثیر این احساس اطمینان و امنیت اجتماعی بر کاهش قیمتها آشکار می گردد:

بمجرد انتشار خیر حکمرانی آقای سردار جنگ یک درجه آرامش در اغتشاش اطراف اصفهان پدیدار، حتی بعضی از سارقین به تجار پیغام دادند که بعضی اموال مسروقه را از سارقین گرفته بیایید ببرید. گندم از خروار صد تومان به هفتاد و پنج تومان رسید. بدبختانه استعفای حضرت معظم له مجدداً اصفهان را به حالت اولیه بلکه شدیدتر عود داد. گندم ترقی نمود، سارقین مجدداً مطمئن مشغول غارت و چپاول شدند.<sup>۳۸</sup> این موضوع موجب گشت که با اعلام خاتمه جنگ قیمتها به سرعت و روز به روز به کاهش گذارد.<sup>۳۹</sup> احساس امنیت از عوامل مهمی است که در شرایط تورمی موجب کاهش قیمتها می شود. در چنین شرایطی دولت نیز در مقابل اوضاع اسفبار اجتماعی احساس مسئولیت می کرد. از جانب حکومت مرکزی در مورد حمل جنس و مراقبت در امر ارزاق عمومی و حفظ انتظام راهها و معانعت از حمله سارقین به حکام ایالات شدیداً اخطار داده شد و خاطیان در صورت سهل انگاری تهدید به انفصال از خدمت شدند.<sup>۴۰</sup>

اداره بلدیة و اداره نظمیة به منظور جلوگیری از تقلب و اجحاف کسبه و خیابانها دست به فعالیتهایی زدند.<sup>۴۱</sup> تلاشهایی نیز جهت گرفتن مالیات جنس صورت گرفت که البته با شیوه های مختلف اعمال نفوذ از جانب ملاکین بزرگ خنثی می گردید. در صورتی که مأمورین مالیة موفق به اخذ مالیاتی می گردیدند بیشتر در اثر فشار بر خرده مالکین و زارعین کوچک بود. پیشنهادهایی مبنی بر جمع آوری زمینهای خالصه و مازاد مالیاتهای جنسی در مرکز از جانب مجمع آذربایجان و

هیأت خیریه تجار و اصناف به دولت داده شد تا در موقع مقتضی این اجناس وارد بازار گردد و تا حدودی وضع گرسنگان را بهبود بخشد.<sup>۴۲</sup>

دولت جهت انتقال جنسهای اربابی و خالصه مذاکراتی با تجار انجام داد و حمل این اجناس را به مناقصه گذارد.<sup>۴۳</sup> غله هایی که بدین طریق جمع آوری می گشت وارد انبارهای دولتی می شد و بر طبق نظامنامه خاصی به مقدارهای تعیین شده بین خبازان تقسیم می گردید و قیمت آنها از نرخ غیردولتی آن بسیار کمتر بود؛ و در واقع دولت بر روی غله هایی بدین صورت بانظارت مأمورین دولتی تقسیم می شد سوسید می پرداخت.<sup>۴۴</sup> معمولاً مأموران از جانب وزارت مالیة به بلوکات اطراف تهران می رفتند و محصول زمینهای خالصه و اربابی را تحویل می گرفتند و به انبارهای مرکزی منتقل می کردند.<sup>۴۵</sup> در این

سالها به علت کمبود مواد غذایی، خروج هر نوع جنس ارزاق از حومه تهران بدون اجازه کمیسیون ارزاق و تصویب حکومت، ممنوع گردید.<sup>۴۶</sup> در ولایات دیگر از جمله قم، عراق، و کاشان نیز همین نوع ممنوعیت اجرا شد.<sup>۴۷</sup> کمبود غله موجب شد که مردم از برنج بیشتر استفاده کنند و شاید از این زمان بود که این محصول جزو غذاهای اصلی مردم محسوب شد. نظارت بر ورود برنج به انبارهای دولتی و پختن غذا و تقسیم بین گرسنگان نیز از کارهای دولت در این سالها بود.<sup>۴۸</sup> به دلیل کمبود مواد غذایی و افزایش سرسام آور قیمت آنها در کشورهای درگیر جنگ گزارشهایی مبنی بر خروج مخفیانه و غیر مجاز گندم از کشور به وزارت داخله داده شده است. بنا بر یکی از این گزارشها، شخصی در حوالی اصفهان و محلات روزی ده هزار تومان گندم معامله کرده است و اجناس خریداری شده را



ت امور خارجه  
تیمبر  
دائرة  
۲۹  
۱۹۰۵  
۲۳۱۲



وزارت صید و ماهی

در ۳۰ به اردیبهرد ۱۳۰۴ ریح ادر قمر ۱۳۰۳ راج شخصت  
شخص فردی در حق بستان است نسبت او برود در جهت  
مزاج آن در نقطه نکست برتاری کسرت با صد است  
عنه از و نسیه بدن مع در خطه انحصار از و کسرت در  
کسب در نسیه از و نسیه از و نسیه از و نسیه از  
از و نسیه از و نسیه از و نسیه از و نسیه از



در کیسه های تنباکو و لفافه تیماج<sup>۴۹</sup> پر کرده به انگلستان حمل می کرده است. وزارت داخله با ایالات مرکزی مکاتبه کرده و اعلام می دارد با توجه به عسرت عمومی شدیداً با این عمل مقابله گردد و اجازه خروج غله از کشور داده نشود.<sup>۵۰</sup>

از آنجا که قحطی همچنان بیداد می کرد، دولت دست به اقدامات شدیدتری زد. به عموم کارگزاران در ایالت و ولایات اجازه بازدید از انبارهای غله و توقیف اجناس احتکاری داده شد. وزارت امور خارجه در صورت لزوم ورود به خانه و انبارهای آذوقه اتباع خارجه را باحضور نماینده ای از سفارتخانه های خارجی بلامانع دانست.<sup>۵۱</sup> از جانب ریاست وزراء نیز اعلانی به منظور تعقیب و مجازات محترکان صادر شد.<sup>۵۲</sup>

بنا به درخواست اداره بلدیه، کمیونی با حضور روسای اصناف دارالخلافه تشکیل گردید تا مذاکراتی در مورد تعیین نرخ اجناس صورت گیرد.<sup>۵۳</sup> کمیسیون مزبور برآن شد که به دلیل دریافت گزارشهای متعدد از اجحاف کسبه، نرخ مناسبی برای خرده فروشی حبوبات و دیگر ارزاق عمومی تعیین کند و به دلیل تغییر روز به روز قیمت میدان و کاروانسرا، به طور هفتگی تعیین نرخ و آن را حتمی الاجرا اعلام کند و در هر هفته نرخ را تجدید و اعلان آن را برای اطلاع عموم در مناطق خاصی منتشر سازد.<sup>۵۴</sup>

اداره خبازخانه، علاوه بر نظارت بر تقسیم گندم و دکانهای نانوايي و پخت انواع نان، بر قیمت جو و برنج نیز نظارت داشت.<sup>۵۵</sup> روسای قصابخانه ها نیز برای بررسی قیمت گوشت و کاهش نرخ آن از طرف حکومت احضار گردیدند.<sup>۵۶</sup> شواهد کافی مبنی بر دخالت دولت در نرخ گذاری برارزاق عمومی در دست است اما اینکه این سیاست چه میزان قادر به کاهش قیمتها بوده است سخن دیگری است.

ظاهراً دولت مرکزی با وجود اتخاذ سیاستهایی جهت بهبود وضع گرسنگان،

از نرخگذاری بر اجناس نتیجه مطلوبی به دست نیاورد. مخالفت ملاکین بزرگ و اعمال نفوذ آنان<sup>۵۷</sup> تلاشهای دولت را در نرخ گذاری خنثی می کرد.

ضعف دولت مرکزی و ناتوانی آن در تهیه گندم و جو لازم که در صورت لزوم برای شکستن قیمتها و مقابله با محترکین بتواند وارد بازار کند از عوامل این شکست بود.<sup>۵۸</sup> با تعطیل کمیسیون نرخ گذاری که در اداره بلدیه تشکیل شد، کسبه فرصت را برای بالا بردن قیمتها غنیمت دانستند.<sup>۵۹</sup> دولت طی اعلانی نرخ ارزاق و آزادی و ورود کلیه اجناس به مرکز را اعلام کرد.<sup>۶۰</sup> در این اعلان گفته شده است که آزادی ورود جنس به این معنی است که هرکسی می تواند هر جنسی را وارد کند و به هر قیمت که می خواهد به فروش برساند و دولت هیچ گونه مداخله ای در این امر نخواهد کرد.<sup>۶۱</sup> البته در توضیح دیگری برنج از این قانون استثناء می گردد، به دلیل اینکه از دمپخت آن برای رفع گرسنگی فقرا و قحطی زدگان استفاده می شد.<sup>۶۲</sup> همچنین حمل جنس در داخل کشور آزاد و به ماموران و حکام دستور داده شد از صدور و حمل ارزاق هیچگونه جلوگیری نکنند.<sup>۶۳</sup>

پس از اعلام آزادی نرخ ارزاق، رئیس الوزراء ریاست اداره خبازخانه را تعیین کرد و این اداره از پوشش وزارت مالیه خارج و تحت نظر وزارت داخله قرار گرفت.<sup>۶۴</sup> و مسئولیت اداره خبازخانه تنها به نظارت و مراقبت در وزن و کیفیت مواد مصرفی منحصر گشت.<sup>۶۵</sup> دولت قانون پیشین خود مبنی بر کشف و توقیف انبارهای محترکین را لغو ساخت و وزارت مالیه طی اعلانی هرگونه تفتیش و توقیف انبارهای برنج، گندم، جو و آرد موجود در شهر را موقوف ساخت و به صاحبان آن اجازه فروش آزادانه اجناس خود را داد.<sup>۶۶</sup>

بنا به گزارشهای موجود، عدم دخالت دولت در قیمت اجناس موجب فراوانی جنس و خارج شدن کالاهای احتکار شده

گردید. کما اینکه گفته شد، پس از اعلام آزادی نرخ اجناس در کردستان» نان گندم و جو که به قیمت خیلی گزاف تحصیل نمی شد اینک که تنزل کرده یکمین ۱۳ تا ۱۶ قران می باشد».<sup>۶۷</sup> پیروی از همین سیاست در ایالات دیگر نیز موجب فراوانی و در نتیجه ارزانی اجناس گردید. بنابراین آنچه در روزنامه های آن زمان منعکس شده، اعمال محدودیتهای دولت جز متوقف ساختن حمل جنس و کمیابی کالاها، سود دیگری نداشت در حالی که عدم دخالت دولت نتیجه عکس آن را ایجاد کرد.<sup>۶۸</sup>

از جمله اقدامهای مهم دولت در این سالها، منع حمل غله، حبوبات و به طور کلی ارزاق عمومی به خارج از کشور بود. بنا به گزارش روزنامه های کشور، این امر موجب شادی مردم و کاهش قیمتها گردید: «آرد گندم که پوطی پنج قران و ده شاهی بود به همین واسطه به سه قران و پنج شاهی رسیده»<sup>۶۹</sup> بنا به تصمیم فوق، کمیونی برای مذاکره در نوع کالاها و چگونگی آن در وزارت مالیه تشکیل گردید و در صورت جلسه ای که تهیه گردید، کمیسیون علت این گردهمایی را خاتمه بخشیدن به شکایت تجار و اهالی نسبت به صدور یا منع حمل ارزاق به خارج اعلام کرد. کالاهایی که صدور آن به خارج از کشور ممنوع اعلام گردید به قرار زیر بود:

- ۱- روغن؛
- ۲- کاکائو و شکلات؛
- ۳- برنج، گندم، جو، ذرت، ارزن، و هرنوع غذا از این قبیل؛
- ۴- قهوه؛
- ۵- نشاسته؛
- ۶- آرد و جو و بلغور؛
- ۷- ماکارونی و رشته؛
- ۸- نان بیسکویت و شیرینی از هر قبیل؛
- ۹- پیرو کشک از هرنوع؛
- ۱۰- مرکبات و میوه تر و خشک از هر قبیل؛
- ۱۱- شیر و تخم مرغ؛
- ۱۲- سبزی از هر قبیل و هرنوع؛





۲۱. محمد تمدن، اوضاع ایران در جنگ جهانی اول یا تاریخ رضائیه، (تمدن، تهران ۱۳۵۰ خورشیدی) ص ۲۹۷
۲۲. روزنامه رعد، ش ۱۷۳، ۲۷ شوال ۱۳۳۳، ص ۴۳
- همان، ش ۱۱۳، ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۳۳، ص ۳
۲۳. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: احمد علی (مورخ الدوله) سپهر، ایران در جنگ بزرگ، (بانک ملی، تهران، ۱۳۳۶ خورشیدی)، ص ۳۴۹ و ۳۹۰
۲۴. روزنامه ایران، ش ۳۱۷، ۱۸ محرم ۱۳۳۷، ص ۲
۲۵. روزنامه رعد، ش ۱۱۹، ۷ رجب ۱۳۳۳، ص ۳
۲۶. روزنامه ایران، ش ۲۲۳، اول شعبان ۱۳۳۶، ص ۱
۲۷. همان، ش ۳۱۷، ۱۸ محرم ۱۳۳۷، ص ۲
۲۸. همان، ش ۲۲۳، اول شعبان ۱۳۳۶، ص ۱
۲۹. همان، ش ۲۱۰، ۱۲ رجب ۱۳۳۶، ص ۱
۳۰. همان، ش ۲۲۵، ۳ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱
۳۱. همان، ش ۱۰۴، ۷ شوال ۱۳۳۵، ص ۱
۳۲. همان، ش ۲۰۵، ۶ رجب ۱۳۳۶، ص ۲
۳۳. همان، ش ۲۱۰، ۱۲ رجب ۱۳۳۶، ص ۱
۳۴. همان، ش ۲۶۹، ۱۲ شوال ۱۳۳۶، ص ۱
۳۵. همان، ش ۱۲۶، ۱ ذیحجه ۱۳۳۵، ص ۱
۳۶. همان، ش ۲۴۵، ۲۹ شعبان ۱۳۳۶، ص ۲
۳۷. همان، ش ۲۱۰، ۱۲ رجب ۱۳۳۶، ص ۱
۳۸. همان، ش ۱۹۵، ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۳۶، ص ۲
۳۹. همان، ش ۳۳۵، ۲۰ صفر ۱۳۳۷، ص ۲
۴۰. «نامه وزارت داخله به حکومت سمنان» ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۳۶، سند شماره ۲؛ روزنامه ایران، ش ۱۰۹، ۱۲ شوال ۱۳۳۵، ص ۲
۴۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: روزنامه رعد، ش ۱۵۶، ۱۶ رمضان ۱۳۳۳، ص ۲؛ روزنامه ایران، ش ۱۰۶، ۱۹ شوال ۱۳۳۵، ص ۱
۴۲. روزنامه ایران، ش ۲۳۴، ۱۵ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱
۴۳. همان، ش ۲۶۵، ۶ شوال ۱۳۳۶، ص ۱
- همان، ش ۱۱۳، ۲۸ شوال ۱۳۳۵، ص ۲
۴۴. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: همان، ش ۷۱، ۱۲ رجب ۱۳۳۵، ص ۲
- همان، ش ۳۲۹، ۱۰ صفر ۱۳۳۷، ص ۳
۴۵. همان، ش ۱۰۴، ۸ رمضان ۱۳۳۵، ص ۱
۴۶. همان، ش ۲۹۲، ۲۲ ذیقعد ۱۳۳۶، ص ۱
۴۷. همان، ش ۱۲۷، ۳۰ ذیقعد ۱۳۳۵، ص ۱
۴۸. همان، ش ۲۲۸، ۸ شعبان ۱۳۳۶، ص ۳
۴۹. تیماج پوستهای دباغی شده
۵۰. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به مکاتبات وزارت داخله با مراکز دیگر:
- «نامه وزارت داخله به حکومت گلپایگان»، ۲۴ ربیع الاول ۱۳۳۶، ص ۱
- «نامه وزارت داخله به وزارت امور خارجه»، ۲۴ ربیع الاول ۱۳۳۶، ص ۱
- «نامه وزارت خارجه به وزارت داخله»، ۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۶، ص ۱
- «نامه وزارت داخله به گلپایگان»، ۱۲ جمادی الاول ۱۳۳۶، مثلاً سند شماره ۳
۵۱. روزنامه ایران، سند ش ۱۴۸، ۲۴ صفر ۱۳۳۶، ص ۱
۵۲. همان، ش ۳۰۵، ۱۶ ذیحجه ۱۳۳۶، ص ۱
۵۳. روزنامه رعد، ش ۸۷، آخر ربیع الثانی ۱۳۳۳، ص ۲؛ روزنامه ایران، ش ۹۵، ۹ رمضان ۱۳۳۵، ص ۱
۵۴. روزنامه ایران، ش ۲۱۱، ۱۳ رجب ۱۳۳۶، ص ۲؛ همان، ش ۲۶۹، ۱۲ شوال
- ۱۳۳۶، ص ۲
- ۱۳۳۶، ص ۲
۵۵. همان، ش ۲۳۰، ۱۰ شعبان ۱۳۳۶، ص ۲؛ همان، ش ۲۳۱، ۱۱ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱؛ همان، ش ۱۰۶، ۱۲ شوال ۱۳۳۵، ص ۲
۵۶. روزنامه رعد، ش ۸۸، اول جمادی الاول، ۱۳۳۳، ص ۳
۵۷. روزنامه ایران، ش ۲۲۴، ۱۵ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱
۵۸. همان، ش ۲۲۶، ۵ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱؛ همان، ش ۲۱۷، ۲۱ رجب ۱۳۳۶، ص ۱
۵۹. روزنامه رعد، ش ۴۰، ۲۸ محرم ۱۳۳۳، ص ۳
۶۰. روزنامه ایران، ش ۲۳۶، ۱۸ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱
۶۱. همان، ش ۲۵۱، ۶ رمضان ۱۳۳۶، ص ۱
۶۲. همان، ش ۲۳۷، ۱۹ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱
۶۳. همان، ش ۲۰۳، ۱۳ ذی حجه، ص ۲
۶۴. همان، ش ۲۳۸، ۲۰ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱
۶۵. همان، ش ۱۸۲، ۲۲ جمادی الاول ۱۳۳۶، ص ۱
۶۶. همان، ش ۲۳۲، ۱۲ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱
۶۷. همان، ش ۱۹۸، ۲۷ جمادی الثانی، ص ۱
۶۸. همان، ش ۲۹۰، ۱۸ ذیقعد ۱۳۳۶، ص ۱
- همان، ش ۱۸۲، ۲۲ جمادی الاول ۱۳۳۶، ص ۱
۶۹. روزنامه رعد، ش ۱۲۵، ۱۹ رجب ۱۳۳۳، ص ۲؛ همچنین در مورد منع حمل برنج به خارج از کشور نگاه کنید به: روزنامه ایران، ش ۱۰۱۳۸، محرم ۱۳۳۶، ص ۴
۷۰. برای آگاهی بیشتر از وضعیت ارزاق و تصمیمهای اداره مالیه نگاه کنید به: نامه وزارت مالیه به وزارت داخله، ۲۳ صفر ۱۳۳۷، سند شماره ۴

سند شماره ۵:

وزارت داخله حکومت عراق

۶ برج حمل ۱۳۳۴

### مقام وزارت جلیله وزارت داخله مدظله

در چند روز قبل تلگرافی از جناب مستطاب آقای ژنرال باراتف رسید که هر قدر شتر و قاطر ممکن است تهیه نموده به همدان نزد جناب آقای ژنرال، شاه نظر اوف بفرستید و او تکلیف آنها را معین خواهد نمود. فدوی دویست قاطر و شتر حاضر نموده توسط جناب آقای رئیس قشون اعلیحضرت امپراطوری مقیم عراق تکلیف خواستم جناب مستطاب آقای ژنرال باراتف در جواب مخایره فرموده بودند که قاطر و شتر موجوده را جو بار کرده از راه بروجرد با قزاقهای همدان روانه نماید و در آنجا کرایه و قیمت خود را دریافت دارند، با همه اینکه صاحبان جو و قاطر و شتر بهیچ وجه قبول نمی نمودند. فدوی از آنجائیکه می دانست اولیای دولت در اینگونه موارد لازمه مساعدت را میل دارند با جناب آقای ژنرال باراتف بشود لهذا به صاحبان قاطر و شتر و جو اطمینان داده قدری پیش کرایه و قیمت جو قبلاً از خود پرداخته و مابقی را هم اعتبار دادم که به آنها برساند. دویست قاطر و شتر را هفتاد و پنج خروار جو بارگیری نموده از راه بروجرد متوکلاً علی الله فرستاد، هنوز هم خبری از آنها نرسیده محض استحضار خاطر مبارک بطور راپورت تصدیع داد.

فدوی معتمدالدوله، مهر حکومت عراق  
حاشیه سند: اداره غرب سواد (را) به  
وزارت امور خارجه بفرستید. امضاء

سند شماره ۲

وزارت داخله

نمره کتاب ثبت: ۱۲۵

طهران سمنان

به تاریخ ۱۴۰۱۸-۱۳۳۶

صادره: تلگراف رمز

حکومت جلیله سمنان و دامغان

با تأکیداتی که در حمل جنس و عدم مزاحمت به حاملین میشود. علی رغم



وزارت داخله

دو سینه
ضمیمه

لهمان سمنان

اسم نو: ۱۲۴۳

۱۳۳۶

تاریخ: ۱۸/۱۲/۳۶

صادره: تلگراف

مکتوب به سمنان و دامغان  
موضوع: درخواست خرید قاطر و شتر  
موضوع: درخواست خرید قاطر و شتر  
موضوع: درخواست خرید قاطر و شتر

سند شماره ۴

وزارت مالیه

اداره: کابینه

نمره: ۲۳۶۶۵

۱۴ برج عقرب، ۱۳۳۷

ضمیمه: صورت

وزارت جلیله داخله

در باب منبع حمل غله و ارزاق و کلیه اشیاء و اجناسی که در تأمین معاش اهالی مدخلیت دارد و چندی بود محل اختلاف و مورد بعضی شکایات واقع شده بود اخیراً کمیسیونی در وزارت مالیه تشکیل و با حضور اشخاص بصیر مذاکرات لازمه بعمل آمده صورت مجلس که متضمن رأی اعضاء کمیسیون بوده تهیه و به مقام منبع هیئت وزراء عظام تقدیم شد و پس از آنکه در هیئت مطرح مذاکره گردید در خاتمه صورت مجلسی حکم قطعی صادر گردید اینک یک نسخه از صورت مجلس مزبور برای اطلاع اولیای آن وزارت جلیله ارسال گردید که ملاحظه فرموده مفاد آنرا به مأمورین خود در ایالات و ولایات اعلام فرمایند.

از طرف وزیر...

امضاء

وزارتخانه متبوعه خردتوان خودداری می کیند. این است اخطار می شود چون این مسئله جانی و مربوط به جان و سلامتی فقر است که روزی چندین نفر از آنها بواسطه گرسنگی می میرند اگر پس از این اندک مسامحه بشود انفصال شما از حکومت قطعی است.

سند شماره ۳

وزارت امور خارجه

۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۶

وزارت جلیله داخله

در جواب مرقومه مورخه ۲۴ ربیع الاول نمره ۴۸۳۳ راجع به شخصی که در خمین مشغول خریداری و حمل غله به انگلستان است زحمت افزا می شود که با عسرت عمومی خروج آن از هر نقطه مملکت بدستباری هر کس شد جداً ممانعت شود علیهذا امر فرمایند بدون هیچ ملاحظه از شخص مذکور جلوگیری شود و چنانچه از ناحیه انگلیسیها در این باب اظهاری به وزارت امور خارجه بشود بطور مقتضی جواب داده خواهد شد.